

## «زن و مطالعات خانواده»

سال هفدهم - شماره شصت و سوم، بهار ۱۴۰۳

ص ص: ۹۱-۱۰۸

### مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دل‌بستگی و آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی بر اسنادهای خصمانه زنان متقاضی طلاق

زهرا خوانساری<sup>۱</sup>

حسن تونزنده جانی<sup>۲</sup>

احمد زنده دل<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۳

#### چکیده

خانواده، مهم‌ترین نهاد جامعه و شکل‌دهنده استعدادها و شخصیت آدمی است. در سیستم خانواده عواملی از قبیل مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده، عوامل بسیار مؤثری هستند که موجب شکوفایی، رشد و پیشرفت اعضای خانواده می‌گردند. پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه گواه و دوره پیگیری یک ماهه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان متقاضی طلاق بود که جهت استفاده از خدمات روان‌شناختی در آبان ۱۴۰۰ لغایت بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به کلینیک‌های روان‌شناسی (تحت پوشش سازمان بهزیستی) در شهر سبزوار مراجعه کرده بودند. نمونه این پژوهش شامل ۴۵ نفر از زنان متقاضی طلاق بود که به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. سپس، از میان نمونه پژوهش به‌طور تصادفی ۱۵ نفر در گروه گواه و ۳۰ نفر در گروه‌های آزمایش (آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دل‌بستگی و آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی) جایگزین شد. داده‌ها با استفاده از مقیاس اسناد خصمانه (HDS) (آرتتز و همکاران، ۲۰۰۳) جمع‌آوری شد. مداخله آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دل‌بستگی و آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای هفته‌ای یکبار انجام شد؛ اما گروه گواه هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. داده‌های پژوهش، به روش تحلیل واریانس آمیخته (با اندازه‌گیری مکرر) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دل‌بستگی و آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی در کاهش اسناد خصمانه در زنان متقاضی طلاق مؤثر است ( $P < 0.05$ )؛ به‌طوری‌که ۸۵/۵ درصد از تغییرات همزمان متغیرهای وابسته مرتبط به گروه

<sup>۱</sup> . دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روان‌شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

<sup>۲</sup> . دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. ( نویسنده مسئول ) h.toozandehjani@ymail.com

<sup>۳</sup> . استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

آموزش مهارت های مبتنی بر الگوی دلبستگی است. همچنین مجذور سهمی اتا حاکی از آن است که ۸۷/۱ درصد از تغییرات همزمان متغیرهای وابسته به ایماگو درمانی است. همچنین یافته‌ها نشان داد بین اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی و آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی تفاوت معنادار مشاهده نشد ( $P > 0/05$ ).

**واژه‌های کلیدی:** آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی، آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی، اسنادهای خصمانه، طلاق.

### مقدمه

یکی از موضوعاتی که در چند سال اخیر ذهن اکثر اندیشمندان و حتی عموم را به خود مشغول کرده است مسأله طلاق است (ویندل و ویندل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). طلاق یک فقدان است که سازگاری فرد را تحت‌الشعاع قرار داده و اثرات نامطلوبی در این زمینه ایجاد می‌کند و رضایت ذهنی را مختل می‌کند (رادتتزی، دیلیپورم و راجرز<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). فقدان کنترل (جبالی و المسروه<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲)، کاهش اعتمادبه‌نفس (هریس<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۷) و خود ارزشمندی پایین (وان دجیک، وان در والک، وسن، برانجی و دکوویچ<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱) و افسردگی (اووروپ، کیپرک، استریزی، ساندر و هالد<sup>۶</sup>، ۲۰۲۲) پیامدها و فقدان‌هایی هستند که ممکن است در آسیب بین فردی، طی وقایع تنش‌زایی مانند طلاق، آن‌ها را تجربه کند. اسنادهای خصمانه، یکی از پیش‌بینی کننده‌های تعارض زناشویی و کیفیت روابط بین فردی زوجین است (نيسنکی و نيسنکی<sup>۷</sup>، ۲۰۲۲). اسنادهای خصمانه به‌عنوان تمایل به‌منظور دشمنی نسبت به رفتارهای دیگران تعریف شده‌اند (زاجنکوسکا، پراسیک، جاسیلسکا و سزولائوسکی<sup>۸</sup>، ۲۰۲۱).

برخی نظریه‌پردازان از جمله داج و پریس<sup>۹</sup> (۱۹۹۰) بر این عقیده‌اند که در وقوع پرخاشگری، تعارض و افسردگی، نقش سوگیری‌های اسنادی خصمانه شناختی پرخاشگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (باک، برونی، گاگن و پینن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۰). همچنین، مکانیسم‌های شناختی پرخاشگری، تعارض و افسردگی اغلب مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و اسناد خصمانه به‌عنوان یک عامل شناختی مهم در ایجاد و توسعه پرخاشگری و تعارض شناخته شده‌است (اکیوان<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). یک عامل شناختی مهم در سوگیری اسناد خصمانه

1 - Windle, Windle

2 - Radetzki, Deleurme, Rogers

3- Jabali

4 - Harris

5 - van Dijk, van der Valk, Vossen, Branje, Deković

6- Øverup, Cipric, Strizzi, Sander, Hald

7- Nisanci, Nisanci

8 - Zajenkowska, Prusik, Jasielska, Szulawski

9- Dodge & Price

10 - Buck, Browne, Gagen, Penn

11- Quan

ناظر بر تمایل فرد به تعبیر و تفسیر خصمانه رفتارهای دیگران در موقعیت‌های اجتماعی است، بدون آن که رفتار دیگری و پیامدهای آن رابطه وجود داشته باشد (جیاتو<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). دادج و همکاران (۱۹۹۰) نشان می‌دهد که اسناد خصمانه در بروز رفتارهای پرخاشگرانه، تعارض‌های زناشویی و نشانه‌های افسردگی نقش دارند و از سوی دیگر سوگیری اسناد خصمانه یکی از مهم‌ترین واکنش‌های پرخاشگرانه و افسرده ساز به شمار می‌آیند (حسینی، هاشمی، خانجانی و ماشینی، ۱۳۹۸).

مشکلات زناشویی بدون حمایت و بدون درمان باگذشت زمان بدتر شده و در درازمدت می‌تواند اثرات منفی فراوانی بر عملکرد ذهنی این افراد بر جا گذارد (نوی شارای<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). اشکال مختلفی از درمان‌های روان‌شناختی برای این افراد وجود دارد. یکی از رویکردهای مطرح در سبب‌شناسی و پیشگیری از تعارض‌ها و تنش‌های زناشویی و زوجین متقاضی طلاق، درمان‌های مبتنی بر دل‌بستگی است (تسویلی، لیفشیتز و دایموند<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲). با توجه به دلالت‌های چشمگیر این رویکرد در حوزه‌های گوناگون مرتبط با کیفیت زندگی به‌طور اعم و تحوّل ظرفیت‌های شناختی، هیجانی و اجتماعی به‌طور اخص، گستره‌های مفهومی و تبیینی این چارچوب نظری، مرزهای سبب‌شناسی طیف عظیمی از اختلال‌های روان‌شناختی را در هم نور دیده و به یکی از مهم‌ترین زمینه‌های آموزشی و درمانی چه در سطح مداخله‌های پیشگیرانه و چه در قلمرو مداخله‌های بالینی بدل گشته است (دایموند، دیاموند و لیوی<sup>۴</sup>، ۲۰۲۲). پژوهش‌های پژوهشگرانی چون تسویل و همکاران (۲۰۲۲)، گانز<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۲)، سلانوا و نبوت-گرسا<sup>۶</sup>، ۲۰۲۲، گریرو<sup>۷</sup> (۲۰۲۱)، هوانگ، سیریکانتراپورن، آباکوک و کوب<sup>۸</sup> (۲۰۲۰) نشان دادند که آموزش مبتنی بر دل‌بستگی بر اسناد خصمانه مؤثر می‌باشد. به‌طور کلی، وجود اسناد خصمانه زنان متقاضی طلاق از شاخص‌های تلفیقی تخریب تدریجی سازگاری روابط زوجین و ایجاد تجربه و درک هیجان‌های ناخوشایند در تعاملات زناشویی هستند. از این رو، افراد برای برقراری مجدد اعتماد و رضایت زناشویی در رابطه خود، به‌ویژه موضوعات مربوط به پیوندهای هیجانی با افراد مهم زندگی، برای درمان مراجعه می‌کنند. به همین دلیل نیاز به رویکردهای مؤثر و به‌طور تجربی حمایت‌شده مورد تأکید قرار گرفته است (اوجی، آدیگوزل، زیبک و کولاکادیگلو<sup>۹</sup>، ۲۰۲۳).

یکی از درمان‌هایی که در سال‌های اخیر مورد استفاده قرار گرفته است روان‌درمانی مبتنی بر ایماگوترپی است (نپ<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۳). ایماگوترپی نظریه‌ای یکپارچه است و فرایندی است در جهت کار با زوجین، والدین،

<sup>1</sup> - Jiao

<sup>2</sup> - Noy-Sharav

<sup>3</sup> - Tsvili

<sup>4</sup> - Diamond

<sup>5</sup> - Ganz

<sup>6</sup> - Selanova & Nevut-Grasa

<sup>7</sup> - Guerrero

<sup>8</sup> - Huang, Sirikantraporn, abaoock, Cobb

<sup>9</sup> - Avci, Adiguzel, Zeybek, Çolakkadıoğlu

<sup>10</sup> - Knapp

کودکان، کارکنان مشاغل و دیگر افرادی که در جستجوی بهبود بخشیدن روابطشان هستند (کرامر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). تصویرسازی ارتباطی برنامه آموزش و درمان را برای کمک به زوجین در جهت اصلاح روابطشان ترکیب می‌کند (لوکوئت و مورو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸).

هدف از تصویرسازی ارتباطی این است که ذهن خودآگاه خود را با راهکارهای ذهن ناخودآگاه هم‌تراز کند و به مراجع کمک کند که روابط آگاهانه، صمیمانه و متعهدانه را توسعه دهد. این فرآیند انتقال نمی‌تواند به‌تنهایی و خودآگاه رخ دهد. مهارت‌های خاص و فرآیندهایی لازم است که نیاز است روزانه تمرین شوند تا یک رابطه ناخودآگاه را به خودآگاه تبدیل کند (پنواردن<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱). این درمان با تمرکز بر ریشه‌های ناراضی و ترمیم جراحات به وجود آمده سعی دارد زوجین را در بازیابی رضایت زناشویی یاری رساند (گلهرت، اسمیت، گیگرچ و لاکوئت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷). قدرت نظریه ایماگوتراپی در این است که نخست به زوج‌ها در مورد چگونگی و چرایی بروز تعارضات آموزش می‌دهد و سپس ابزارها و فن‌هایی برای حل‌وفصل این تعارضات در اختیار زوجین قرار می‌دهد (هولیمان، مورو و لاکوئت<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶). نتایج پژوهش‌های نپ (۲۰۲۲)، نوی شارای (۲۰۲۱)، لوکوئت (۲۰۱۷) و هندریکس و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد که ایماگو درمانی می‌تواند در بهبود اسناد خصمانه در زوجین مؤثر باشد.

اثربخشی هر دو رویکرد مداخله‌های مبتنی بر دل‌بستگی و روان‌درمانی زوجی ایماگویی به‌صورت جداگانه روی سایر متغیرهای مربوط به زنان متقاضی طلاق موردبررسی قرار گرفته است؛ اما بررسی ادبیات پژوهش درمان‌های فوق در داخل و خارج، نتوانست ما را به پژوهشی در خصوص مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر رویکرد روان‌درمانی زوجی ایماگویی و مداخله‌های مبتنی بر دل‌بستگی بر اسنادهای خصمانه زنان متقاضی طلاق برساند؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دل‌بستگی و آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی بر اسنادهای خصمانه زنان متقاضی طلاق انجام شد. همچنین تعاریف مفهومی متغیرهای پژوهش نیز به قرار زیر است:

تعریف مفهومی اسناد خصمانه: سوگیری اسناد خصمانه، عبارت است از نسبت دادن انگیزه‌های ارادی و عمدی خصومت‌آمیز و آسیب‌زننده به رفتارهای دیگران که در تعاملات بین فردی بر فرد اثرات مستقیم بدنی یا احساسی دارند (دادج و پریس، ۱۹۹۰؛ به نقل از حسینی و همکاران، ۱۳۹۶).

تعریف مفهومی آموزش مهارت‌های مبتنی بر دل‌بستگی: روشی است که به‌وسیله آن به افراد در مورد چگونگی مؤلفه‌های برقراری دل‌بستگی ایمن آموزش داده می‌شود. این آموزش‌ها بر روش‌های افزایش دسترس‌پذیری، حساسیت و پاسخگویی منبع دل‌بستگی در برابر نیازهای فرد دل‌بسته و برقراری روابط گرم و صمیمانه و نیز ایجاد فضایی توأم با اعتماد برای او اشاره دارد (جوفر، باکرمنز و وان‌ایجنزندورن، ۲۰۱۳).

1 - Kramer

2 - Luquet, Muro

3 - Penwarden

4 - Gehlert, Schmidt, Giegerich, Luquet,

5 - Holliman

تعریف مفهومی روان‌درمانی مبتنی بر ایماگوتراپی: ایماگو درمانی نظریه‌ای یکپارچه است و فرایندی است در جهت کار با زوجین، والدین، کودکان، کارکنان مشاغل و دیگر افرادی که در جستجوی بهبود بخشیدن روابطشان هستند. ایماگو تراپی رویکردی بسیار ایمن و مؤثر جهت کمک به رابطه همسران، برای پرورش درکی بیشتر از همدیگر و رابطه‌ای صادقانه‌تر است. این درمان بر اساس کارهای اولیه هارویل هندریکس (۲۰۰۸) است.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل و مرحله پیگیری یک ماهه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان متقاضی طلاق بود که جهت استفاده از خدمات روان‌شناختی در آبان ۱۴۰۰ لغایت بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به کلینیک‌های روان‌شناسی (تحت پوشش سازمان بهزیستی) در شهر سبزوار مراجعه کرده بودند. نمونه این پژوهش شامل ۴۵ نفر از زنان متقاضی طلاق بود که به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. سپس، از میان نمونه پژوهش به‌طور تصادفی ۱۵ نفر در گروه گواه و ۳۰ نفر در دو گروه آزمایش (آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دل‌بستگی و آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی) جایگزین شد. ملاک‌های ورود زنان به پژوهش شامل متقاضی طلاق و سطح تحصیلات حداقل دیپلم و اعلام رضایتمندی شرکت در جلسات درمان و ملاک‌های خروج عبارت بودند از غیبت بیش از دو جلسه، عدم همکاری در طول جلسات درمانی و انصراف از ادامه پژوهش بود. گروه گواه شامل زنانی بودند که مداخله‌ای در فرایند پژوهش دریافت نکرده و در لیست انتظار برای دریافت مداخله بودند. قبل از اجرای جلسات درمان آزمودنی‌های هر سه گروه از طریق پرسشنامه اسناد خصمانه مورد ارزیابی قرار گرفتند. سپس گروه آزمایش درمان مبتنی بر الگوی دل‌بستگی تحت مداخله ۸ جلسه‌ای و بر اساس جلسات ۹۰ دقیقه‌ای هفته‌ای یک‌بار و گروه آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی دل‌بستگی تحت مداخله ۸ جلسه‌ای و بر اساس جلسات ۹۰ دقیقه‌ای هفته‌ای یک‌بار به‌صورت جلسات حضوری قرار گرفتند. پس از پایان جلسات مداخله‌ها، شرکت کنندگان هر سه گروه مجدداً با ابزار پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفتند و بعد از گذشته یک ماه نیز پیگیری صورت گرفت. لازم به ذکر است که کلیه ملاحظات اخلاقی پژوهش رعایت گردید، از جمله این که به زنان شرکت کننده در پژوهش اطمینان خاطر داده شد کلیه اطلاعات پژوهش به صورت محرمانه نزد پژوهشگر باقی می‌ماند و از این اطلاعات صرفاً جهت ارزیابی پژوهشی استفاده می‌شود. کلیه زنان شرکت کننده در گروه گواه پس از اتمام مراحل پژوهش، در آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دل‌بستگی و آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی هر کدام به طول ۴ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای شرکت کردند. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از SPSS ویراست ۲۶ و روش آماری تحلیل واریانس آمیخته (با اندازه‌گیری مکرر) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزارهای پژوهش به شرح زیر است:

مقیاس اسناد خصمانه<sup>۱</sup> (HDS): پرسشنامه اسناد خصمانه توسط آرتنز و همکارانش (۲۰۰۳) در جهت اندازه‌گیری اسناد خصمانه تهیه شده است که حاوی ۲۰ آیتم است که هریک از آیتم‌ها در قالب ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شود. در راستای پیشگیری از یکنواختی پاسخ‌های آزمون شنوندگان، برخی از سؤالات این پرسشنامه به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. برای بررسی روایی پرسشنامه اسناد خصمانه آرتنز از طریق واریانس‌های سازه با تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. شاخص‌های AGFI، CFI و GFI به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۲ و ۰/۹۵ بر برازش مطلوب و مناسب دلالت داشته و شاخص‌های RMSEA و RMR به ترتیب برابر ۰/۰۶۴ و ۰/۰۴۲ برآزش نسبتاً مطلوب را گزارش کردند که روایی این پرسشنامه را مورد قرار می‌دهند (دیدوچی حاضر، مروزینسکی و گولس دی زاوالا، ۲۰۱۹). در راستای بررسی پایایی پرسشنامه، آرتنز و همکاران (۲۰۰۳)، از روش بازآزمایی در فاصله زمانی سه ماهه استفاده نموده‌اند که نتایج نشانگر همبستگی مثبت و قابل توجه ۰/۷۹ بین دو مرحله آزمون بوده است (به نقل از برینان، دالی و هارینگتون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). پایایی آن در نمونه ایرانی براساس سه روش همسانی درونی، بازآزمایی و تصنیفی محاسبه شد که برای کل پرسشنامه به ترتیب اعتبار ۰/۹۳، ۰/۹۵ و ۰/۹۷ به دست آمد. روایی همزمان از طریق اجرای همزمان با پرسشنامه SCL-90 انجام شد که ضریب همبستگی ۰/۵۶ حاصل آن بود. ضرایب همبستگی با نمره کل در حد رضایت بخش و بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۸ متغیر بود (ابهر زنجانی و همکاران، ۱۴۰۱). ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده در پژوهش حاضر ۰/۸۶۲ بود.

جلسات زوج درمانی مبتنی بر دل‌بستگی بر اساس نظریه دل‌بستگی (خورشیدی پاجی، ۱۳۹۵) تنظیم شد که شرح مختصر جلسات درمانی در زیر آمده است:

#### جدول ۱. جلسات آموزش مهارت‌های مبتنی بر دل‌بستگی

جلسه	هدف	محتوا
اول	آشنایی، توضیح روش و بیان اهداف	انجام پیش‌آزمون؛ توضیح قوانین کلاس، تعریف، تاریخچه، انواع دل‌بستگی، دل‌بستگی بزرگسالان و تمرین‌های مرتبط با انواع دل‌بستگی (ایمن، اضطرابی، نایمن اجتنابی) جهت فهم بهتر مطالب و همکاری و تعامل هر چه بیشتر شرکت‌کنندگان با یکدیگر. تکلیفی که در این جلسه به شرکت‌کنندگان داده شد شامل کلیه مطالب عنوان شده در همان صورت جزوه تا آنچه در جلسه عنوان شده را بهتر به خاطر بسپارند و اگر مطلبی برایشان مبهم بوده در جلسه بعدی بپرسد تا برایشان شفاف سازی شود.
دوم	شناسایی سبک‌های دل‌بستگی در افراد و	بحث و تبادل نظر در مورد تکلیف جلسه اول پاسخ به سؤالات شرکت‌کنندگان در ارتباط با جلسه قبل، توضیح و تبیین الگوهای تعارض و مجادله‌های زوجین تحت تاثیر سبک‌های دل‌بستگی به صورت عینی. برای تکلیف این جلسه به شرکت‌کنندگان خواسته شد عنوان چند خاطره خوب در زندگی مشترکشان را یادداشت کنند

<sup>1</sup> - Hostile documentation scale

<sup>2</sup> - Dyduch-Hazar, Mrozinski, Golec de Zavala

<sup>3</sup> - Brennan

و در مورد یک خاطره خوب با یکدیگر صحبت کنند (مرور خاطرات خوب) در این تکلیف مشاهده رفتارهای کلامی و غیر کلامی شرکت‌کنندگان در حین مرور خاطرات خوب مورد توجه قرار می‌گیرد.	همسرانشان و تاثیر آن بر تعارضات
بررسی سه الگوی تعارضات زناشویی بر اساس سبک دل‌بستگی افراد. برای تکلیف از شرکت‌کنندگان خواسته شد حداقل دو تا از مشکلاتی را که اخیراً با آن روبرو بودند و نحوه برخورد با آن مشکلات بازسازی کنند.	شناسایی الگوی تعارضات زناشویی بر اساس سبک دل‌بستگی
تمرکز بر هیجان‌های اصلی و بنیادی مانند ترس از طرد شدن، ترس از ناقص بودن، ترس از تنهایی و درماندگی به جای هیجان‌های ثانویه مانند خشم و عصبانیت که باعث رفتارهایی از قبیل اعتراض، چسبندگی، اجتناب، انزوا، اغراق و بزرگ‌نمایی. برای تکلیف از شرکت‌کنندگان خواسته شد که در مورد یک میهمانی که قرار است خودشان تدارک ببینند و برگزار کنند، تصمیماتی اتخاذ کنند (قدرت تصمیم‌گیری و تقسیم وظایف و نقش‌ها مد نظر است) و در طی این فرآیند از آنها خواسته شد شیوه مصالحه در پیش بگیرند.	توجه به هیجان در فرایند های اساسی از قبیل تصمیم‌گیری، انتخاب مناسب و ارتباط مؤثر
آموزش مهارت‌های ارتباطی، قدر دانی، در دسترس بودن و حمایت و مراقبت زوجین از همدیگر. برای تکلیف از شرکت‌کنندگان خواسته شد احساسات خود را در مورد روابط دو نفره شان و برداشتهای و خواسته‌های خود را در مورد این روابط با یکدیگر در میان بگذارند مثلاً تشویق شدند که هیجان‌ات ملایم خود را ابراز کنند و یکدیگر را سرزنش نکنند.	آشنایی با ابعاد مختلف و مراحل ایجاد صمیمیت در روابط
آموزش چگونگی گوش دادن همدلانه، احترام به خود و به دیگری، پذیرش احساسات و عقاید طرف مقابل یافتن راه‌حل برای بهبود روابط و بالابردن مشارکت دوجانبه و تداوم پیگیری اهداف و علایق جدید. برای تکلیف از شرکت‌کنندگان خواسته شد که رابطه خودشان را با استفاده از صفت پنج مشخصه توصیف کنند و مثال‌هایی برای روشن شدن هر یک از صفاتی که انتخاب کرده‌اند بزنند و به طرف مقابل خود بگویند که کدامین صفات برایشان خوشایند و کدام یک ناخوشایند است و باید حذف یا اصلاح شود.	آشنایی شرکت‌کنندگان با مفهوم رضایت زناشویی و پی بردن به اهمیت شناخت و بررسی عواملی که منجر به استحکام روابط زناشویی می‌شود
آموزش توجه به خدا، معنویت و دل‌بستگی به او و توجه به تاثیر این مهم در بهبود ارتباط زوجین. برای تکلیف این جلسه از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود که معنا و هدف از زندگی شان را شناسایی و آن را در قالب دل‌بستگی به خدا قرار دهند (ادراک نظم، انسجام و هدف در هستی و دنبال کردن اهداف ارزشمند و نیل به آنها که با حس رضایتمندی همراه است مدنظر است اینکه به عنوان منبع و مبنای امنیت برای افراد هنگامی که دچار استرس و و آشفتگی روانی می‌شوند و نیز به عنوان منبع حمایت‌کننده مطمئن برای کشف و جستجوی در محیط اطراف است.	آشنایی شرکت‌کنندگان با مفهوم دل‌بستگی به خدا
شناخت نیازهای دل‌بستگی سالم و طبیعی دانستن آنها، کشف ترس‌ها و نا ایمی‌های اساسی ناشی از ارتباط، تسهیل ابراز نیازها و خواسته‌ها، ایجاد صمیمیت و در درگیری صمیمانه و بخشش اشتباهات یکدیگر، تأکید بر هیجان‌ات اولیه و بنیادی که مرتبط با نیازهای دل‌بستگی (مانند ترس و شرم). انجام پس آزمون و اعلام پایان جلسه	ترغیب و تشویق شرکت‌کنندگان ترغیب و تشویق می‌شوند که با بکارگیری اصول و مهارتهای مطرح شده

محتوای مداخله ایماگوتراپی توسط هندریکس طراحی و روایی آن توسط امینی خوئی و همکاران (۱۳۹۳) تأیید شد که هدف و محتوای آن به تفکیک جلسات در جدول ۲ ارائه شد.

جدول ۲. هدف و محتوای آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی به تفکیک جلسات

جلسه	هدف	محتوا
جلسه اول	آشنایی، توضیح روش و بیان اهداف	معرفی اعضا، بیان مقررات و قوانین جلسات، تشریح اهداف زوج‌درمانی به روش ایماگو تراپی، توصیف مختصر ایماگو تراپی و تشریح نقش ایماگوها در نحوه ارتباط زوجین
جلسه دوم	برنامه‌ریزی برای روابط آینده	آشنایی زوجها با ویژگی‌های مثبت افراد مهم زندگی، برنامه‌ریزی برای روابط مناسب با همسر در آینده، بررسی امکان پیشرفت در روابط با همسر و آشنایی با نظرات وی و یافتن زمینه مشترک
جلسه سوم	افزایش خودآگاهی	بررسی خاطرات گذشته، کشف ناکامی‌های دوران کودکی و نحوه واکنش به آن‌ها، پرورش تصویر ذهنی مثبت، استفاده از روش بازگشت به خانه کودکی و مرور خاطرات، نوشتن ویژگی‌های مثبت و منفی والدین و تأثیر آن بر فرد و تعیین نیازهای کودکی و احساسات منفی
جلسه چهارم	شناخت همسر	شناخت عمیق همسر و تأثیر آن بر روابط فعلی زناشویی، استفاده از روش بیان ویژگی‌های مثبت و منفی همسر، مقایسه همسر با تصویر ذهنی خود و تأثیر آن بر فرد
جلسه پنجم	آشنایی با نیازها و آسیب‌های یکدیگر	آشنایی با نیازهای مختلف همسر، آگاهی از آسیب‌های متفاوت همسر و نحوه برخورد با نیازها و آسیب‌های همسر
جلسه ششم	تجدید خاطرات عاشقانه و بهبود روابط	ایجاد منطقه امن و افزایش صمیمیت و التیام زخمه‌ای عاطفی زوجین، مرور رفتارها و خاطرات خوب گذشته، تعیین روش‌های فعلی خشنود کردن همسر، مشخص کردن نیازها و آرزوهای برآورده نشده، ارائه هدیه‌های غیرمنتظره و انجام فعالیت‌های تفریحی و لذت‌بخش مشترک
جلسه هفتم	تخلیه خشم و هیجان‌های منفی	بیان و تخلیه خشم در یک محیط امن و سازنده باهدف کاهش و حل رنجش‌های گذشته و التیام زخم‌های عاطفی، تمرین تخلیه خشم و آموزش روزهای مهار خشم
جلسه هشتم	جمع بندی مباحث	مرور اهداف جلسات قبل، جمع‌بندی محتوای جلسات قبل، تأکید بر تلاش جهت حفظ و تداوم تغییرات مثبت و دریافت بازخورد از شرکت‌کنندگان

یافته‌ها

میانگین سن گزارش شده برای نمونه پژوهش حاضر به تفکیک گروه‌ها؛ برای گروه آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی ۳۶/۵  $\pm$  ۴/۲۷؛ برای گروه آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی ۳۱/۸۳  $\pm$  ۳۵/۳ و در گروه گواه ۳۴/۹  $\pm$  ۲/۹ شد. حداقل سن شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۶ و حداکثر سن ۴۰ گزارش شد. همچنین با توجه به سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵؛ تفاوت معناداری بین سه گروه از یکدیگر وجود نداشت و سه گروه از نظر سن همگن بودند. نتیجه یافته‌های توصیفی پژوهش به تفکیک سه مرحله پژوهش در سه گروه در جدول ۳ ارائه شده است.



جدول ۳. مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات اسنادهای خصمانه در بین سه گروه و در سه زمان قبل و بعد از مداخله و پیگیری

متغیرها	گروه	قبل از مداخله		بعد از مداخله		پیگیری	
		میانگی ن	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
الگوی دل‌بستگی		۴۹/۴	۴/۸۶	۳۶/۶	۵/۰۸	۳۷/۱	۵/۰۵
اسنادهای خصمانه	ایماگو درمانی	۴۷/۷	۳/۴۹	۳۷/۲	۳/۸۰	۳۸/۵	۳/۶۶
گواه		۴۸/۰۸	۳/۵۵	۴۷/۸	۳/۴۴	۴۸/۴	۳/۶۴

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود نمرات پس‌آزمون و پیگیری گروه آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دل‌بستگی و ایماگو درمانی بر اسناد خصمانه زنان متقاضی طلاق در مقایسه با پیش‌آزمون بهبود یافته است، اما روند میانگین نمرات گروه گواه تقریباً ثابت بوده است که این به نوعی نشان می‌دهد که درمان‌ها مؤثر است. البته برای سنجش معنادار بودن این تفاوت‌ها باید از آزمون‌های آماری مناسب استفاده شود. به همین منظور پس از بررسی مفروضه نرمال بودن، همگنی واریانس‌ها و همگنی ماتریس کوواریانس‌ها از آزمون تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر آمیخته استفاده شد که نتایج آن در ادامه ارائه می‌شود. نتایج آزمون شاپیرو ویلک جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و به عنوان یکی از پیش‌فرض‌های تحلیل اندازه‌گیری مکرر نشان داد که در سطح معناداری ( $p > 0.05$ ) داده‌های جمع‌آوری شده، در همه متغیرهای گروه‌های آزمایش و گواه نرمال است و پیش‌فرض طبیعی بودن یا همان پارامتریک بودن داده‌ها رعایت شده است. نتایج آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس به عنوان یکی از پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس آمیخته نشان داد نتایج به دست آمده برای متغیر اسناد خصمانه در گروه الگوی دل‌بستگی ( $F=4/21$  و  $P=0/051$ )، گروه ایماگو درمانی ( $F=2/97$  و  $P=0/096$ ) و گروه گواه ( $F=1/56$  و  $P=0/061$ ) بود و چون مقدار  $P$  از  $0/05$  بزرگ‌تر است از مفروضه همگنی واریانس‌ها تخطی صورت نگرفته است. همچنین پژوهش حاضر که به دنبال مقایسه اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دل‌بستگی و ایماگو درمانی بر اسناد خصمانه زنان متقاضی طلاق است، برای بررسی مفروضه همگنی ماتریس کوواریانس‌ها از آزمون کرویت موچلی استفاده شد و از آنجا که این مفروضه ( $\chi^2=284/9$ ،  $p=0/001$ ) برقرار نبود، به همین دلیل می‌توانیم از نتیجه آزمون‌های درون گروهی با تعدیل درجات آزادی و با استفاده از نتایج آزمون گرین‌هاوس گیسر استفاده کنیم. در ادامه نتایج آزمون تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر  $3 \times 2$  برای مقایسه دو گروه آزمایش و گواه و در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری برای متغیرهای پژوهش ارائه گردید.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر

نام آزمون	مقدار	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری	مجذور اتا
آزمون پیلایی	۰/۸۵۵	۱۵/۵	۸	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۵۵
گروه درمان	عامل*	۰/۱۴۵	۸	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۵۵
مبتنی بر	گروه	۵/۹۱	۸	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۵۵
الگوهای	آزمون بزرگترین ریشه	۵/۹۱	۸	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۵۵
دلبستگی	روی					
آزمون پیلایی	۰/۸۷۱	۱۷/۶	۸	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۷۱
ایماگو درمانی	عامل*	۰/۱۲۹	۸	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۷۱
مبتنی بر	گروه	۶/۷۳	۸	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۷۱
الگوهای	آزمون بزرگترین ریشه	۶/۷۳	۸	۲۱	۰/۰۰۱	۰/۸۷۱
دلبستگی	روی					

چنانکه اطلاعات جدول ۴ نشان می دهد، با کنترل اثر پیش آزمون‌ها، شاخص لاندای ویلکز در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. ( $\eta^2 = 0.145$ , Wilks Lambda = 0.145,  $F = 15.5$ ,  $P = 0.001$ ). به عبارت دیگر می توان ادعا کرد که در متغیرهای مورد بررسی بین گروه درمان مبتنی بر الگوهای دلبستگی و گواه تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین مجذور سهمی اتا حامی از آن است که ۸۵/۵ درصد از تغییرات همزمان متغیرهای وابسته مرتبط به گروه آموزش مهارت های مبتنی بر الگوی دلبستگی است. همچنین اطلاعات جدول ۴ نشان می دهد، در گروه ایماگو درمانی با کنترل اثر پیش آزمون‌ها، شاخص لاندای ویلکز در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. ( $\eta^2 = 0.129$ , Wilks Lambda = 0.129,  $F = 17.69$ ,  $P = 0.001$ ). به عبارت دیگر می توان ادعا کرد که در متغیرهای مورد بررسی بین گروه ایماگو درمانی و گواه تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین مجذور سهمی اتا حامی از آن است که ۸۷/۱ درصد از تغییرات همزمان متغیرهای وابسته مرتبط به گروه مداخله است.

جدول ۵. آزمون پونفرونی برای مقایسه سه گروه در اسناد خصمانه

گروه	گروه	تفاوت میانگین	سطح معناداری
ایماگو درمانی	گواه	-۰/۳۳۳	۱
ایماگو درمانی	الگوی دلبستگی	-۱/۶۶	۰/۷۸۹
الگوی دلبستگی	گواه	۱/۳۳	۱
ایماگو درمانی	گواه	-۱۰/۶*	۰/۰۰۱
ایماگو درمانی	الگوی دلبستگی	۰/۶	۱
الگوی دلبستگی	گواه	-۱۱/۲*	۰/۰۰۱
ایماگو درمانی	گواه	-۸/۶۶*	۰/۰۰۱
ایماگو درمانی	الگوی دلبستگی	۴/۵۳	۰/۲۰۲
الگوی دلبستگی	گواه	۱۳/۴*	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج آزمون بونفرونی در جدول ۵ در پیش‌آزمون در اسناد خصمانه در بین سه گروه تفاوت معناداری وجود ندارد ( $p > 0/05$ )؛ در پس‌آزمون بین گروه‌های مداخله و گروه گواه تفاوت معنادار گزارش شد ( $p < 0/05$ ) در بین دو درمان مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی و آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی در اسناد خصمانه در بین دو گروه مداخله با یکدیگر تفاوت معناداری دیده نشد ( $p > 0/05$ ) بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که در بین دو گروه مداخله در کاهش اسناد خصمانه در بین دو گروه تفاوت معناداری دیده نمی‌شود ( $p > 0/05$ ).

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه و فراخشم در زنان متقاضی طلاق انجام شد. نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نشان داد آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه در زنان متقاضی طلاق مؤثر است. نتیجه حاصل با نتیجه پژوهش کریچفیلد و همکاران (۲۰۲۲)، تسویل و همکاران (۲۰۲۲) و گانز و همکاران، (۲۰۲۲) همسو است. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت: زوج درمانی دلبستگی محور به زوجین می‌آموزد تا از طریق افزایش امنیت و حمایت، در دسترس بودن، پاسخدهی به نیاز همسر و ایجاد رفتارهای امن، روش‌های افزایش صمیمیت و ارتباط و بازسازی روابط، رفتار خود را تصحیح کنند؛ مسائل مهم زندگی خود را برای همسرشان افشا کنند، از همسر خود پاسخ مثبت دریافت کنند و تحت مراقبت وی قرار گیرند، تعامل‌های کلامی و غیر کلامی خود را افزایش دهند، افکار، احساسات، نیازها و تمایلات خود را بیان کرده و پیوند نزدیکی را با یکدیگر داشته باشند که سبب ارتقای سلامت جسمانی و روانشناختی و بهزیستی آنان خواهد شد (ولوتی و همکاران، ۲۰۲۲). در صورتی که زوجین قادر باشند تا نیاز، خواسته‌ها و علایق خود را با یکدیگر در میان بگذارند؛ عشق، محبت و دوستی‌شان را ابراز کنند به‌خوبی از عهده حل مشکلات و مسائل اجتناب‌ناپذیر برمی‌آیند و رابطه صمیمانه خود را تحکیم می‌کنند و اجازه نمی‌دهند روابط آن‌ها به یک رابطه موازی و بدون صمیمیت تبدیل شود و انرژی عشق به آزدگی و خشم بدل شود. بدین صورت می‌توانند به‌جای انتقادهای مکرر، پناه بردن به سکوت و عدم همراهی عاطفی به ثبات در تعاملات خانوادگی دست یابند (اوجی و همکاران، ۲۰۲۲).

همچنین می‌توان گفت که افراد وقتی در مسیر ایمن بودن قرار می‌گیرند خود را توانا، دیگران را قابل اعتماد و آینده خود را روشن می‌بینند و زندگی را تحت کنترل خودشان می‌دانند و با واقعیت همسازتر هستند. درصدد حل مسائل و مشکلات برمی‌آیند و گرمی و صمیمیت بیشتری دارند و روابط عاطفی آن‌ها نیز با لذت و سرزندگی و حس آرامش آمیخته است و به شریک زندگی‌شان اعتماد دارند که این خصوصیات رضایت آن‌ها را از روابط با شریک جنسی‌شان افزایش می‌دهد و برخلاف زمانی که به سمت سبک‌ناایمن گرایش داشتند که دچار عدم اعتماد و کناره‌گیری از روابط بودند و عکس‌العمل‌های هیجانی‌شان در مواقع ناکامی و مشکلات زندگی منجر به تعارض و خصومت در روابط آنان می‌شد ظرفیتشان برای پیوندهای

صمیمانه با شریکشان بالا می‌رود و صمیمیت و در نتیجه رضایتمندی بیشتری را تجربه می‌کنند (کریچفیلد و همکاران، ۲۰۲۲).

همچنین در تبیین پایداری تأثیر آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی بر اسناد خصمانه زنان متقاضی طلاق می‌توان گفت با توجه به اینکه آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دلبستگی به افراد کمک می‌کند تا با کنترل هیجانات و بهبود الگوهای ارتباطی بتوانند در خصوص مشکلاتشان با همسرانشان گفت‌وگو کنند و از قهر و سرزنش خودداری کرده و تلاش کنند احساساتشان را به همسرشان ابراز کنند و به یک‌راه حل منطقی دست یابند (الکاید و همکاران، ۲۰۲۱)؛ همچنین می‌توان افزود: مداخله دلبستگی محور، با بازتعریف نقش‌ها، عملکردها و کارکردهای فردی به‌ویژه در زمینه متعادل‌سازی در دسترس بودن عاطفی و روانی و ایجاد صمیمیت در هریک از زوجین در ارتباط با دیگری، میزان انطباق‌پذیری خانوادگی را بهبود بخشیده‌است (گریو، ۲۰۲۱). بنابراین همین امر موجب شده‌است که حتی در زمان سپری شده بعد از مداخله نیز برای زنان متقاضی طلاق کارآمد باشد.

نتیجه حاصل از آزمون پژوهش حاضر نشان داد درمان ایماگو تراپی در کاهش اسناد خصمانه در زنان متقاضی طلاق مؤثر است. نتیجه حاصل با نتایج پژوهش‌رانی چون نپ (۲۰۲۲)، نوی شارای (۲۰۲۱)، لوکوئت (۲۰۱۷) همسو است. در تبیین اثربخشی درمان ایماگو تراپی بر کاهش اسناد خصمانه حاضر می‌توان گفت: تصویرسازی ارتباطی فرایندی است که در آن به زوجها آگاهی و اطلاعات و مهم‌تر از آن آموزش داده می‌شود که در مورد جنبه‌های ناخودآگاه روابط خودآگاه شوند و به‌جای اینکه سعی کنند تعارض‌های خود را به‌صورت سطحی حل کنند به بررسی ریشه آن بپردازند (نپ، ۲۰۲۲). این دیدگاه معتقد است که مراحل رشد دوران کودکی به‌خصوص روابط اولیه فرد با والدین، بر روابط زناشویی تأثیر دارد. انتخاب همسر در روابط زناشویی فقط یک فرایند آگاهانه نیست، بلکه بخش مهمی از آن ناخودآگاه بوده و نتیجه نیاز به تکمیل مراحل ناتمام دوران کودکی و التیام زخم‌های عاطفی است (لوکوئت، ۲۰۱۷).

در این روش همسران می‌توانند با درک فرایندهای ناخودآگاه در خود و همسرشان، مهارت‌هایی را برای التیام زخم‌های کودکی و ایجاد رفتارهای سالم یاد بگیرند و با تبدیل ازدواج و رابطه ناخودآگاه به ازدواج آگاهانه، عشق و صمیمیت مورد نیاز خود را به دست آورند (پنواردن، ۲۰۲۱).

درمان تصویرسازی- ارتباطی باهدف تبدیل تجارب منفی کودک به تجاربی شفا یافته و عمیق در بزرگسالی، فعالیت می‌کند. این درمان، شفابخشی جراحتهای کودکی، حل تعارضات زناشویی و افزایش صمیمیت و پیوند را آماج کار خود قرار داده‌است. هدف درمان این است که همسران به لحاظ شخصی یکپارچه شوند و رابطه‌ای هشیار را تجربه کنند. اساساً ایماگو درمانگر همسران را در جهت ساختن رابطه‌ای آمیخته با تعهد، سرشار از تماس‌های توجه آمیز و پیوندهایی همدلانه هدایت می‌کند. چنین رابطه‌ای از تعهد، تماس و همدلی از طریق فرآیندی به نام گفتگوی ایما گویی اکتساب خواهد شد. درمانگر با به‌کارگیری مستمر و آگاهانه‌ی سه مرحله اساسی در گفتگو- آینه سازی، اعتباربخشی و همدلی- نهایتاً

پیوند میان همسران را بازآفرینی می‌کند و این پیوند همان مرهمی است که جراحات‌های هیجانی، توقف‌های رشدی و بلوکه شدن‌های معنوی را شفا خواهد داد (گلهرت و همکاران، ۲۰۱۷).

شناخت‌ها و رفتارهای مشکل‌آفرین و مسأله‌ساز زوجین آموخته‌شده‌است؛ بنابراین الگوهای ارتباطی خاصی که در خانواده وجود دارد باعث تداوم یافتن شناخت‌ها و رفتارهای مشکل‌ساز می‌شوند. زنان دارای مشکل ارتباطی دچار نقص در مهارت‌های ارتباطی، حل مسأله، مدیریت استرس، ابراز هیجان‌ها و غیره هستند که تداوم آن‌ها باعث افزایش مشکلات ارتباطی بین آن‌ها و همسرانشان می‌شود (هولیمین و همکاران، ۲۰۱۶).

در تبیین پایداری تأثیر آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی بر کاهش اسناد خصمانه می‌توان گفت با توجه به اینکه در این جلسات از آموزش فن گفت‌وگو و همدلی برای رسیدن به روابط آگاهانه استفاده شد که به تبع آن مهارت‌هایی چون گفت‌وگو، گوش دادن و دیدن نقاط مثبت همسر آموخته شد بنابراین آموختن این مهارت‌ها باعث کاهش اسناد خصمانه در زنان متقاضی طلاق شد که حتی در طول زمان نیز پایدار بود.

به‌طور کلی نتایج حاکی از اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر الگوی دل‌بستگی و آموزش مهارت‌های مبتنی بر ایماگو درمانی بر کاهش اسناد خصمانه در زنان متقاضی طلاق بود. به‌عبارت‌دیگر این دو شیوه درمانی به‌طور مساوی و معنادار باعث کاهش اسناد خصمانه در زنان متقاضی طلاق شد. پس این دو روش درمانی به‌عنوان روش‌های درمانی کارآمد، کاربردی و مؤثر قابلیت استفاده و کاربرد در مراکز و کلینیک‌های درمانی را در جهت بهبود ویژگی‌های روان‌شناختی زوج‌ها و سلامت آن‌ها دارد. در نتیجه مشاوران و درمانگران می‌توانند از این دو روش در کاهش تعارضات و اسناد خصمانه در زوجین استفاده کنند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به روش نمونه‌گیری در دسترس و عدم استفاده از زوجین به‌طور همزمان اشاره کرد. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی از نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود؛ همچنین از آنجاکه واحد نمونه پژوهش حاضر زنان متقاضی طلاق بود؛ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از زوجین متقاضی طلاق استفاده شود.

## References

- Amini Khoi, N; Shafiabadi, A; Delavarov A; Nooranipour, R.A. (2013). Comparing the effectiveness of two life skills training approaches and imago therapy in improving the communication patterns of young couples in Bushehr city. *Counseling Research*, 13(50), 56-77. <http://ensani.ir/fa/article/423414>
- Avcı, R., Adiguzel, A., Zeybek, S. U., & Çolakkadıoğlu, O. (2021). The role of post-divorce parental conflict in predicting aggression, anger, and symptoms of anxiety and depression among university

- students. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(3), 199-215.  
<https://doi.org/10.1080/10502556.2021.1871830>
- Brennan, N. M., Daly, C. A., & Harrington, C. S. (2010). Rhetoric, argument and impression management in hostile takeover defence documents. *The British Accounting Review*, 42(4), 253-268.  
<https://doi.org/10.1016/j.bar.2010.07.008>
- Buck, B., Browne, J., Gagen, E. C., & Penn, D. L. (2020). Hostile attribution bias in schizophrenia-spectrum disorders: Narrative review of the literature and persisting questions. *Journal of Mental Health*, 1-18. <https://doi.org/10.1080/09638237.2020.1739240>
- Critchfield, K. L., Thapa, P., Panizo, M. T., & Conceição, N. (2022). Using interpersonal reconstructive therapy to address comorbid problems organized by attachment-based learning: The case of Don. *Journal of Clinical Psychology*, 78(3), 396-408.  
<https://doi.org/10.1002/jclp.23292>
- Diamond, G., Diamond, G. M., & Levy, S. (2021). Attachment-based family therapy: Theory, clinical model, outcomes, and process research. *Journal of affective disorders*, 294, 286-295.  
<https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.07.005>
- Dyduch-Hazar, K., Mrozinski, B., & Golec de Zavala, A. (2019). Collective narcissism and in-group satisfaction predict opposite attitudes toward refugees via attribution of hostility. *Frontiers in Psychology*, 10, 1901. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.01901>
- Ganz, M. B., Rasmussen, H. F., McDougall, T. V., Corner, G. W., Black, T. T., & De Los Santos, H. F. (2022). Emotionally focused couple therapy within VA healthcare: Reductions in relationship distress, PTSD, and depressive symptoms as a function of attachment-based couple treatment. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 11(1), 15.  
<https://doi.org/10.1037/cfp0000210>
- Gehlert, N. C., Schmidt, C. D., Giegerich, V., & Luquet, W. (2017). Randomized controlled trial of imago relationship therapy: Exploring statistical and clinical significance. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 16(3), 188-209.  
<https://doi.org/10.1080/15332691.2016.1253518>

- Guerrero, L. K. (2021). Attachment theory: A communication perspective (pp. 299-313). Routledge.  
<https://www.taylorfrancis.com/chapters/edi>
- Harris, S. M., Crabtree, S. A., Bell, N. K., Allen, S. M., & Roberts, K. M. (2017). Seeking clarity and confidence in the divorce decision-making process. *Journal of Divorce & Remarriage*, 58(2), 83-95.  
<https://doi.org/10.1080/10502556.2016.1268015>
- Holliman, R., Muro, L., & Luquet, W. (2016). Common factors between couples therapists and imago relationship therapy: A survey of shared beliefs, values, and intervention strategies. *The Family Journal*, 24(3), 230-238.  
<https://doi.org/10.1177/1066480716648693>
- Hosseini, M.; Hashemi, T; Khanjani, Z; Mashinchi, A. (2018). Naima Bias attributions of hostility and aggression: The mediating role of social maturity. *Iranian Psychological Scientific Association*, 12(1), 595-600. <https://www.sid.ir/paper/896795/fa>
- Huang, C.Y., Sirikantraporn, S., abaoock, N., & Cobb, J.M.T. (2020). Parental Attachment, Adult-Child Romantic Attachment, and Marital Satisfaction: An Examination of Cultural Context in Taiwanese and Thai Heterosexual Couples. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17, 1-13.  
<https://doi.org/10.3390/ijerph17030692>
- Jabali, S. M., & AL-Massarweh, S. S. (2022). Divorce and Its Psychological and Social Effects on the Children of Divorced People from Their Viewpoint in the Jordanian Society. *Modern Applied Science*, 16(2). : <https://doi.org/10.5539/mas.v16n2p1>
- Knapp, J. M. (2022). Doing imago relationship therapy in the space-between. *Journal of Marital and Family Therapy*, 48(2), 669-670.  
<https://doi.org/10.1111/jmft.12527>
- Kramer, C. (2018). Imago Therapy in Action: Moving From Rupture to Repair. *group*, 42(2), 167-171.
- Luquet, W., & Muro, L. (2018). Imago relationship therapy alignment with marriage and family common factors. *The Family Journal*, 26(4), 405-410.  
<https://doi.org/10.1177/1066480718803342>
- Nisanci, Z., & Nisanci, A. (2022). Between-Reporter Agreement Among Couples: Exploring Nonlinear Patterns in Marital

- Conflict. *Journal of Interpersonal Violence*, 08862605221118963.  
<https://doi.org/10.1177/08862605221118963>
- Noy-Sharav, D. (2021). Corrective Emotional Experience in Couple Therapy: An Integration between Imago Approach and Psychoanalytic Concepts in Light of Neuropsychological Studies. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 20(4), 319-339. <https://doi.org/10.1080/15332691.2020.1860178>
- Øverup, C. S., Cipric, A., Strizzi, J. M., Sander, S., & Hald, G. M. (2022). Temporal Associations Between Depression and Hostility in the Context of a Divorce Intervention. *Psychological Reports*, 00332941211070212.  
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/08862605221118963>
- Penwarden, S. (2021). A person as becoming over time: contrasting the theological view of a person as imago Dei with the narrative therapy notion of telos. *Practical Theology*, 14(3), 186-198.  
<https://doi.org/10.1080/1756073X.2020.1792676>
- Quan, F., Yang, R., Zhu, W., Wang, Y., Gong, X., Chen, Y., ... & Xia, L. X. (2019). The relationship between hostile attribution bias and aggression and the mediating effect of anger rumination. *Personality and Individual Differences*, 139, 228-234.  
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.11.029>
- Radetzki, P. A., Deleurme, K. A., & Rogers, S. M. (2021). The implications of high-conflict divorce on adult-children: Five factors related to well-being. *Journal of Family Studies*, 1-21.  
<https://doi.org/10.1080/13229400.2020.1754277>
- Salanova, M., & Nebot-Gresa, L. (2021). Positive effects and validation of a Brief Intervention Program of Attachment-Based Compassion Therapy. *Terapia Psicológica*, 39(3), 428.  
<https://doi.org/10.4067/S0718-48082021000300427>
- Sohri Paji, R. (2015). The effectiveness of couple therapy based on attachment style on the dimensions of intimacy and marital satisfaction in married couples of Ramsar city. Master's thesis. Department of Psychology. Payam Noor University, Center of South Tehran. [www.irandoc.ir](http://www.irandoc.ir)
- Tsvieli, N., Lifshitz, C., & Diamond, G. M. (2022). Corrective attachment episodes in attachment-based family therapy: The



- power of enactment. *Psychotherapy Research*, 32(2), 209-222.  
<https://doi.org/10.1080/10503307.2021.1913295>
- Van der Watt, A. S., Roos, A., Du Plessis, S., Bui, E., Lesch, E., & Seedat, S. (2022). An Attachment Theory Approach to Reframing Romantic Relationship Breakups in University Students: A Narrative Review of Attachment, Neural Circuitry, and Posttraumatic Stress Symptoms. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 21(2), 129-150.  
<https://doi.org/10.1080/15332691.2021.1908197>
- van Dijk, R., van der Valk, I. E., Vossen, H. G., Branje, S., & Deković, M. (2021). Problematic Internet use in Adolescents from divorced families: The role of family factors and adolescents' self-esteem. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(7), 3385.  
<https://doi.org/10.3390/ijerph18073385>
- Velotti, P., Rogier, G., Mommo, G., Bizzi, F., & Cavanna, D. (2022). An Exploration of Home Attachment Representations using an Adaptation of Adult Attachment Interview: Preliminary Data on the Home Attachment Interview. *Mediterranean Journal of Clinical Psychology*, 10(1).  
<https://cab.unime.it/journals/index.php/MJCP/article>
- Windle, M., & Windle, R. C. (2018). Parental divorce and family history of alcohol disorder: Associations with young adults' alcohol problems, marijuana use, and interpersonal relations. *Alcoholism: Clinical and Experimental Research*, 42(6), 1084-1095. <https://doi.org/10.1111/acer.13638>
- Zajenkowska, A., Prusik, M., Jasielska, D., & Szulawski, M. (2021). Hostile attribution bias among offenders and non-offenders: Making social information processing more adequate. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 31(2), 241-256.  
<https://doi.org/10.1002/casp.2493>

## Comparing the effectiveness of teaching skills based on attachment model and teaching skills based on imago therapy on hostile documents of women seeking divorce

ZahraKhansari HassanToozandehjani AhmadZendehdel

**Purpose:** Family is the most important institution of society and shaper of human talents and personality. In the family system, factors such as desirability, satisfaction, quality and optimal functioning of the family are very effective factors that cause prosperity, growth and development of family members.**Method:** The present research was a semi-experimental study with a pre-test-post-test design having a control group and a one-month follow-up period. The statistical population of the present study included all women applying for divorce who had referred to psychological clinics (under the welfare organization) in Sabzevar to use psychological services between November 2021 and February 2022. The sample of this research included 45 women who applied for divorce and were selected as available. Then, from among the research sample, 15 people were randomly assigned to the control group and 30 people to the experimental groups (training of skills based on attachment model and training of skills based on imago therapy). Data were collected using the Hostile Document Scale (HDS) (Arnetz et al., 2003). The intervention of teaching skills based on attachment model and teaching skills based on imago therapy were carried out during 8 sessions of 90 minutes once a week; But the control group did not receive any intervention. The research data were analyzed by mixed variance analysis (with repeated measurements).**Findings:** The findings showed that teaching skills based on attachment model and teaching skills based on imago therapy are effective in reducing hostile documents in women applying for divorce ( $P<0.05$ ); So that 85.5% of the simultaneous changes of the dependent variables are related to the skills training group based on the attachment model. Also, the square of the parametric eta is 87.1% of the simultaneous changes of variables related to imago therapy. Also, the findings showed that there was no significant difference between the effectiveness of teaching skills based on attachment model and teaching skills based on imago therapy ( $P<0.05$ ).

**Keywords:** teaching skills based on attachment model, teaching skills based on imago therapy, hostile documents, divorce

Ph.D. Student of Psychology, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran

---

Associate Professor, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. [h.toozandehjani@ymail.com](mailto:h.toozandehjani@ymail.com)

Assistant Professor, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran